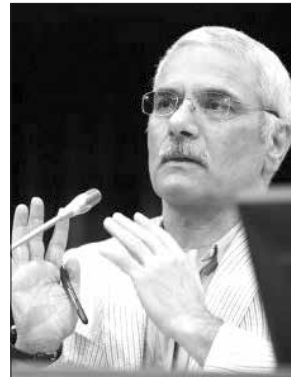


تحلیل محتوای اقتصاد ایران

مرتضی ایمانی راد - عضو هیئت علمی دوره های کارشناسی ارشد و دکتری سازمان مدیریت صنعتی



از پانزده هزار تومان را ندارد و بنابراین خریدها در این نقطه به مرحله اشباع می‌رسند و بیشتر آنها متوقف می‌شوند. به همین دلیل کسانی که دلار را به مقصود سرمایه‌گذاری خریدند وارد بازار شده و دلارهای خود را می‌فروشند. این مساله نه تنها برای افزایش دلار سقف می‌گذارد بلکه افکار عمومی را هم برای کاهش آماده می‌کند. بنابراین اینجا ما با یک پدیده تکنیکال مواجه هستیم.

دوم، بانک مرکزی با شناخت از این محدوده و با اطلاع از اینکه بخشی از ارزهای صادرات غیرنفتی وارد کشور می‌شود و در ضمن با تزریق موردی ارز به کاهش ارز کمک شایان توجهی کرد. اینکه وزن این اقدام بانک مرکزی چقدر است، کسی نمی‌داند. ولی به نظر می‌رسد که عامل اول نقش مهم‌تری در کاهش دلار داشته است.

سوم، آمریکا از موضع تهدید خارج شد و با نفی هرگونه تمایلی برای جنگ پیشنهاد مذاکره را در چندین نوبت به ایران داد. ایران هم به‌طور مشروط مذاکره را پذیرفت. از قبل هم مشخص بود که آمریکا نیروی زیادی نمی‌خواهد روی ایران بگذارد و برای ترامپ نتیجه‌گیری و استفاده سیاسی برایش بسیار مهم است. این پیشنهادها وقتی به‌طور علنی بین شینزو آبه، نخست وزیر ژاپن و ترامپ انجام شد، بازار ارز ایران خیلی سریع به آن واکنش نشان داد.

چهارم، بارها کردن قیمت‌گذاری ارزهای حاصل از صادرات غیرنفتی بخشی از این ارزها وارد کشور شدند و عرضه ارز را بیشتر کرد. این مساله فشار را بر قیمت دلار بیشتر کرد. آیا قیمت دلار در سطحی که کاهش یافته باقی می‌ماند؟ پاسخ منفی است. قیمت دلار همان‌طور که در چند روز گذشته نشان داد کماکان تمایل به افزایش دارد. ولی چون افزایش عرضه ارز با سیاست جدید بانک مرکزی و ادامه شایعات و تلاش‌ها برای مذاکره ادامه خواهد یافت، احتمال برگشت دلار به پانزده هزار تومان بسیار ضعیف است. قرار گرفتن قیمت زیر سیزده هزار تومان هم شرایط خاصی می‌خواهد. در مجموع می‌توان پیش‌بینی کرد که قیمت دلار تا سه ماه آینده، در صورتی که تحول سیاسی خاصی رخ ندهد، در کانال سیزده هزار تومان باقی می‌ماند.

نتیجه آن عدم تمرکز باشد، مثل خصوصی‌سازی، تقویت بازار، آزادی قیمت‌ها، تخصیص بهینه منابع و سیاست‌های مشابه، مورد استقبال دولت و حکومت قرار نخواهد گرفت. چهارم، بقاء - وقتی در جامعه و اقتصاد موانع و چالش‌ها زیاد می‌شوند و وقتی این چالش‌ها به ابر چالش تبدیل می‌شوند و این چالش‌ها به حوزه‌های اجتماعی کشیده می‌شود، سیاست‌گذاری خیلی سخت می‌شود. در نتیجه نمی‌توان دست به ریسک زد و سیاست‌های رادیکال را اجرا کرد. در چنین فضایی سیاست‌ها به سمت حفظ وضع موجود میل پیدا می‌کنند.

پنجم، سیاست - در نتیجه به دلیل عوامل بالا سیاست مجبور هست وارد اقتصاد شود و دخالت خود را بیشتر کند. این مفهوم را تحت عنوان تمرکز مطرح کردم. در نتیجه اقتصاد ایران در سال ۹۷ احتمال زیادی دارد بیش از سابق سیاسی شود.

ششم، تحریم - آرایش جدید کابینه ترامپ و رادیکال شدن آن و اعلام کره شمالی به همکاری با نظم جهانی و همراهسازی پیش‌بینی شده اروپا با آمریکا، همه یک پیام برای اقتصاد ایران دارد. این پیام هم این است که اقتصاد ایران به‌طور جدی در مواجه با تحریم‌های بین‌المللی قرار خواهد گرفت و مدیریت این تحریم‌ها یکی از وظایف خطیر کابینه دوازدهم خواهد بود.

با توجه به مفاهیم برشمرده شده، می‌توان اقتصاد ایران را در سال ۹۷ ترسیم کرد و در این بستر دست به پیش‌بینی یا سرمایه‌گذاری و در مجموع به تدوین استراتژی‌های اثربخش برای بنگاه‌ها زد. به نظر می‌رسد که این مفاهیم به حرکت ما در سال ۹۷ ضربه خواهد زد.

■ پیش‌بینی قیمت دلار تا ۳ ماه آینده

در چند روز اخیر قیمت دلار کاهش نسبتاً زیادی را تجربه کرد. دلایل این کاهش به شرح زیر قابل توضیح است: اول، نرخ دلار در اثر تحریم‌های آمریکا و به خصوص لغو تمديدهای هشت کشور افزایش یافت و به بالای پانزده هزار تومان رسید. بر اساس محاسبات محدود و شواهد موردی به نظر می‌رسد که بازار واقعی ارز ایران کاهش قیمت بیش

اقتصاد ایران را از جنبه‌های مختلف می‌توان در سال ۹۷ مورد بررسی قرار داد. مثلاً عده‌ای روندهای غالب اقتصاد ایران را پیش‌بینی می‌کنند. عده‌ای دیگر چالش‌های بنیادی و یا به عبارتی دیگر موانع اقتصاد را نام می‌برند و تعدادی هم به ساختارها و نهادها و غیره می‌پردازند.

یک شیوه دیگر در بررسی اقتصاد ایران مفهوم‌های اساسی است که اقتصاد کشور بر اساس این مفاهیم شکل می‌گیرد. مثلاً اگر شما مفهوم حسادت را در مورد یک شخص استفاده کنید، بخش قابل توجهی از شخصیت آن فرد را آشکار کرده‌اید. حال سؤال این است که بدون عدد و رقم، چگونه می‌توان اقتصاد ایران را با یک سری مفاهیم شناسایی کرد. یعنی می‌خواهیم اقتصاد ایران را با یک سری مفاهیم کلیدی تحلیل محتوی کنیم. از این نظر مفاهیمی که شمرده می‌شوند، مفاهیمی هستند که بر سیاست‌ها، ساختارها، نهادها و متغیرها سایه می‌اندازند. یعنی بدون این مفاهیم اقتصاد ایران قابل شناسایی و تبیین نیست. این مفاهیم به قرار زیرند:

اول، امنیت - لازم است برای اینکه اقتصاد بتواند همراه با مشکلاتش، مشکل جدید ایجاد نکند نکات امنیتی در آن رعایت شود. افزایش تظاهرات کارگری، تضادهای سیاسی، اختلاف‌نظرهای بیش از اندازه در حوزه سیاسی، احتمال شکل‌گیری مخالفت‌های سیاسی بیشتر، احتمال بالا در شکل‌گیری التهابات ارزی و مسایلی از این دست ایجاد می‌کند که اقتصاد ایران توأم با ابزارهای امنیتی همراه شود. دوم، کنترل - وقتی مسایل اقتصادی با روش‌های مرسوم و جفانده حل نشود و اگر چنین نگاهی وجود نداشته باشد، کنترل جایگزین مدیریت می‌شود.

سوم، تمرکز - برای کنترل بیشتر به تمرکز بیشتر نیاز است، با تمرکز بهتر می‌توان جریان‌های اقتصادی را کنترل کرد. تمرکز شیوه‌های گوناگون دارد، ولی اقتصاد ایران نیاز جدی به تمرکز دارد. بنابراین کلیه سیاست‌هایی که